

ساختار جبهه روحانیت مبارز استان بوشهر در انقلاب اسلامی به روایت اسناد

(۱۳۴۲-۱۳۵۷)

ماشاءاله عالی حسینی^۱

چکیده

در دوره مبارزات مردم استان بوشهر علیه طاغوت پهلوی، سازمان‌دهی و تشکیل «جبهه روحانیت مبارز استان بوشهر»، اساسی‌ترین راهبرد علمای مبارز بومی در پیشبرد نهضت امام خمینی و فراگیر ساختن آن، در استان بوده است. پژوهش، با هدف معرفی ساختار این جبهه، به بررسی ترکیب سازمانی و نحوه ارتباط آنها با هم در بسیج مردم علیه رژیم پهلوی می‌پردازد. مسئله اصلی پژوهش این است؛ «چگونه توسط علمای مبارز بومی بوشهر، اعضای جبهه روحانیت استان، باوجود خاستگاه جغرافیایی متفاوت، در طول دوران نهضت اسلامی در استان، سازمان یافته، و مردم را گام‌به‌گام تا پیروزی انقلاب اسلامی، پیش برده است؟». تحقیق، از نوع کیفی بوده و به شیوه «توصیفی-تحلیلی» صورت می‌گیرد. همچنین، جمع‌آوری اطلاعات با تکیه بر منابع اسنادی ساواک و مصاحبه‌های شفاهی حاصل می‌شود. یافته‌ها نیز ارکان جبهه روحانیت استان را در چهار گروه و یا رکن «روحانیون مبارز بومی»، «روحانیون مبارز اعزامی تبلیغی»، «روحانیون مبارز معاود» و «روحانیون مبارز تبعیدی»، روشن ساخته، و نشان می‌دهد که این جبهه، مؤثرترین عامل بیداری و هدایت مردم به رهنمودهای رهبری نهضت و همبستگی پایدار آنها، در مراحل گوناگون انقلاب اسلامی در استان بوشهر بوده است.

واژه‌های کلیدی: انقلاب اسلامی، جبهه روحانیت، روایت اسناد، بوشهر.

۱. دکتری مدرسی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، مدرس دانشگاه خلیج فارس بوشهر Mashala1339@gmail.com

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۰۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۶

The Structure of the Combatant Clergy Front of Bushehr Province in the Islamic Revolution: A Documentary Account (1963-1979)

Mashallah Aali Hosseini¹

Abstract

During the period of the people of Bushehr Province's struggle against the Pahlavi tyranny, the organization and formation of the "Combatant Clergy Front of Bushehr Province" was the most fundamental strategy of the local combatant scholars in advancing Imam Khomeini's movement and making it widespread in the province. This research, with the aim of introducing the structure of this front, examines its organizational composition and how they interacted with each other in mobilizing the people against the Pahlavi regime. In this regard, the main issue of the research is: "How did the local combatant scholars of Bushehr organize the members of the province's clergy front, despite their different geographical origins, and lead the people step by step to the victory of the Islamic Revolution?" The research is of a qualitative type and is carried out in a "descriptive-analytical" manner. Also, data collection is based on documentary sources – SAVAK documents, etc. – and oral interviews. The findings obtained also clarify the pillars of the province's clergy front in four groups or pillars: "local combatant clerics," "sent-out missionary combatant clerics," "returned combatant clerics," and "exiled combatant clerics," and show that this front was the most effective factor in awakening the people to the leadership's guidelines of the movement and their lasting solidarity in the various stages of the Islamic Revolution in Bushehr Province.

Keywords: Islamic Revolution, Clergy Front, Documentary Account, Bushehr.

¹. PhD in Farang History and Islamic Civilization, Danishgah Teacher, Persian Gulf, Bushehr.

مقدمه

تاریخ معاصر ایران، جلوه‌هایی افتخارآفرین از حرکت استقلال‌طلبانه روحانیت مبارز استان بوشهر دارد که از زمان انقلاب مشروطه به سال ۱۲۸۵ ش تا پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن سال ۱۳۵۷ ش تعریف می‌شود. مهم‌ترین ویژگی این طبقه پیشرو، در صحنه‌های مختلف سیاسی اجتماعی دوره سه گانه این عصر؛ وحدت و انسجام و همدلی بین علما و روحانیون در اجرای قوانین اسلام و دفاع از ایران بوده است. اما منظور از سه برهه مهم تاریخی، عبارت است: دوره اول؛ «مقاومت مسلحانه دلیران جنوب، علیه استعمار» (۱۳۰۴-۱۲۸۵ ش)، یعنی، از قیام سید مرتضی علم‌الهدی در مشروطه با اشغال گمرک بوشهر تا پایان قیام دلیران جنوب به رهبری سید عبدالله بلادی بوشهری؛ دوره دوم: «مبارزه با سیاست پند و موعظه» (۱۳۴۲-۱۳۰۴ ش) با استبداد متورالفکری پهلوی، و دوره سوم: «مبارزه براندازانه ضد پهلوی» (۱۳۵۷-۱۳۴۲ ش)، از نیمه دوم سلطه طاغوت پهلوی دوم تا پیروزی انقلاب اسلامی.^۱

بنابراین، روحانیت مبارز استان، با گذر از مرحله دوم تا واقعه سرنوشت‌ساز ۱۵ خرداد در سال ۱۳۴۲ ش، همواره به‌طوری هماهنگ و هم‌صدا با حوزه علمیه قم و نجف به تبیین واقعی اصول و مبانی اعتقادی اسلام و خنثی‌ساختن شبهات استعمار و مبارزه با مذهب‌های ساختگی و الحادی همچون اندیشه‌های کمونیستی، بهائیت و کسروی‌گرایی می‌پردازند.

از سال ۱۳۴۲ ش، با تغییر شرایط جامعه، گسترش حضور خارجی‌ها در ایران و اقدامات وسیع دولت شاهنشاهی علیه دین و ملت، با نام باستان‌گرایی؛ حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها به رهبری امام خمینی به جنبش درآمد تا دوره نوینی از دفاع و مبارزه با ظلم و استکبار در ایران آغاز گردد. در این شرایط؛ سنگرهای مقابله با استبداد داخلی و استعمار خارجی، یکی پس از دیگری

۱. نگارنده هریک از دوره‌های مذکور را در بخش‌هایی مستقل که در آینده نزدیک به چاپ می‌رسد، به تفصیل مورد توصیف و تحلیل قرار داده است.

شکل گرفته، و مبارزه برای پاک‌سازی جامعه از فساد و پلیدی، به همت علما در مساجد شهرهای دور و نزدیک، آغاز گردید.

با این تحول، و در چنین بستری است که علمای بومی استان وارد صحنه مبارزه شده، و با همکاری و همگامی علما و روحانیت مجاهد سراسر کشور، که هرکدام به‌نوعی در رفت‌وآمد فرهنگی و تبلیغی به استان بوشهر بودند، «جبهه متحد روحانیت مبارز» در استان شکل گرفت.

ابتدا به‌اجمال به معرفی این جبهه و گروه‌های تشکیل‌دهنده آن، پرداخته می‌شود. علاوه بر «روحانیون مبارز بومی استان» که نقش سازمان‌دهنده این جبهه را برعهده داشتند، گروه اول از روحانیت؛ «روحانیون اعزامی تبلیغی» بودند که از سال ۱۳۴۲ش، به‌تدریج از حوزه‌های علمیه قم و نجف و... وارد استان می‌شدند و در مناطق استان جهت تبلیغ تقسیم می‌شدند. دسته دوم روحانیون مهاجر و معاود بوشهری، از کشور عراق و حوزه نجف بودند. آنها، پس از سال‌ها اقامت در سال‌های «۱۳۴۸ و ۱۳۵۰ش»، به ظلم و اجبار حزب بعث، عراق را ترک کردند؛ و به استان برگشتند. گروه سوم؛ «روحانیون و علمای مبارز تبعیدی» بودند که از سال ۱۳۵۲ش، و پس از حمایت از مرجعیت امام خمینی و دفاع از حقوق مردم به استان بوشهر تبعید شدند.

ورود هر گروه، با استقبال علمای بومی و ایجاد تمهیدات لازم از سوی آنها همراه بود. درعین‌حال، «روحانیت مبارز بومی استان» با نقش هماهنگ‌کننده می‌کوشید ارتباط مستمری با آنها، در شهرهای مختلف برقرار سازد؛ و با تعاملات صورت گرفته، زمینه تشکیل جبهه‌ای هماهنگ از گروه‌های مذکور، که هرکدام رکنی از ارکان ساختار جبهه می‌شد، به وجود آورد. براین‌اساس، راهبردی مقتضی در جهت بیداری عقیدتی سیاسی مردم، در قالب جبهه‌ای متحد از روحانیت مبارز در استان پایه‌گذاری گردید.

اهمیت پیدایش این سازمان هدایتگر، و نقش مهم رکن‌های آن در حرکت منسجم مردم استان بوشهر، باعث شد تا پژوهش حاضر، با هدف کلی مطالعه «ساختار جبهه روحانیت استان»، با

رویکردی ساختاری، به نحوه شکل‌گیری ارکان سازمان جبهه و شیوه پیوند و تعامل آنها در روند فراگیری نهضت تا پیروزی انقلاب اسلامی (۱۳۴۲ - ۱۳۵۷ش)، پردازد. مسئله اصلی پژوهش عبارت است:

«چگونه جبهه روحانیت مبارز استان بوشهر، با وجود تفاوت خاستگاه جغرافیایی اعضای رکن‌های درونی آن، در استان شکلی منسجم گرفت، و مردم را گام‌به‌گام از اول تا پیروزی انقلاب اسلامی هدایت نمود؟»

در تبیین مسئله پژوهش، ابتدا به مفهوم جبهه روحانیت اشاره می‌شود، سپس در نگاهی ساختاری به جبهه، ارکان یا گروه‌های چهارگانه روحانیت به عنوان: «روحانیون مبارز بومی استان»، «روحانیون اعزامی تبلیغی از حوزه‌ها»، «روحانیون مهاجر و معاود» و «روحانیون و علمای مبارز تبعیدی»، نظر انداخته، و با استنادات لازم، نحوه تعامل آنها باهم و با مردم، تبیین و تحلیل می‌شود. در پایان نیز جمع‌بندی و نتیجه‌گیری به عمل می‌آید.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که «جبهه روحانیت استان بوشهر» بر محور مرجعیت و رهبری امام خمینی در بسیج مردم و جهت‌دهی به تحولات نهضت اسلامی استان بوشهر، از سال ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷ش، نقش سرنوشت‌سازی را ایفا کرده است.

۱. پیشینه پژوهش

مبارزات روحانیت استان بوشهر، در مراحل مختلف تاریخ سرنوشت‌ساز معاصر ایران، و در دوره انقلاب اسلامی (۱۳۴۲ - ۱۳۵۷ش) که به جهت ملی و دینی، نقش قابل‌توجهی در سرنوشت مردم داشته همواره مورد مطالعه محققین و پژوهشگران بوده است.

در مطالعه مبارزات روحانیت، به کتاب‌ها یا مقالاتی برمی‌خوریم که بیشتر به دوره تاریخی مبارزه روحانیت در جنبش مشروطه و قیام دلیران جنوب، پرداخته‌اند؛ مانند کتاب «شرح زندگی و اندیشه سیاسی آیت‌الله سید عبدالحسین لاری» (۱۳۹۸ش) نوشته وحید کارگر جهرمی و یا

کتاب «جایگاه روحانیت بوشهر در انقلاب مشروطه» (۱۳۹۳ش)، تألیف عبدالکریم مشایخی با رویکرد تاریخی، و روش توصیفی و تحلیلی به موضوع پرداخته‌اند.

اما درخصوص وقایع انقلاب اسلامی، نویسندگان متعدد درباره‌ی حوادث انقلاب در استان بوشهر، دست‌به‌قلم شده‌اند که اغلب آنها، خاطرات خویش را از دوران انقلاب اسلامی، محور تألیف قرار داده‌اند. در عین حال، در این آثار، اشاراتی هم به مبارزه روحانیت در استان شده است: علیرضا مظفری‌زاده در اثر خویش با عنوان «آغاز بیداری» (۱۴۰۰ش) به روش کتابخانه‌ای، مستندات را منضم به خاطرات نموده و از مبارزات برخی روحانیون مبارز نیز، شواهدی ذکر می‌نماید. محمدمهدی جعفری، در خاطرات خود با عنوان «همگام با آزادی» (۱۳۹۰ش)، که توسط قاسم یاحسینی به روش تاریخ شفاهی تدوین شده است، از روحانیون تبعیدی زندان برازجان و برخی روحانیون مبارز بومی استان، مطالبی را روایت می‌کند. کتاب ماشاءالله عالی حسینی «راه هدایت» (۱۳۸۹ش)، بر وقایع انقلاب اسلامی از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۵۷ش، گذری اجمالی بر وقایع شهر بوشهر دارد. وی نقش روحانی مبارز بوشهر، شیخ ابوتراب عاشوری را محور تحولات استان معرفی می‌کند. ماشاءالله کازرونی «دشتستان در نهضت ملی و انقلاب اسلامی ایران» (۱۳۸۷ش)، صفحاتی را به مواضع مؤثر روحانیت دشتستان در هر دو واقعه مذکور اختصاص داده است.

همچنین، مجموعه اسناد ساواک از زندگی روحانیت علمای مبارز، توسط مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، چاپ شده است. از این دسته دو جلد کتاب به زندگی دو تن از روحانیون مبارز استان بوشهر، اختصاص دارد: یکی کتاب «حجت‌الاسلام سید محمدحسن نبوی، به روایت اسناد ساواک در سال (۱۳۸۴ش)»، و دیگری «حجت‌الاسلام شیخ ابوتراب عاشوری در انقلاب اسلامی بوشهر، به روایت اسناد ساواک در سال (۱۳۸۳ش)»، که در پژوهش، در کنار سایر منابع اسنادی مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

علاوه بر این مقالاتی نیز وجود دارد که به علمای تبعیدی پرداخته‌اند. بصیرت‌منش در کتاب «علما و رژیم رضاشاه» (۱۳۷۶ش)، نظری بر عملکرد سیاسی - فرهنگی روحانیون در سال‌های ۱۳۰۵-۱۳۲۰ش، انداخته است؛ و رحیم روح‌بخش «تبعیدی‌های نهضت روحانیت» (۱۳۸۶ش)، را با هدف تبیین مبارزه روحانیان تبعیدی و پیامدهای آن، در دوره پهلوی دوم نگاشته است. همچنین، نبوی (۱۳۷۳ش)، مقاله‌ای با هدف معرفی زندگی و نقش روحانیون جنوب در قیام ضد استعماری علیه اشغالگران در جنگ جهانی، به رشته تحریر درآورده است.

اما پژوهشی حاضر با رویکردی ساختاری، چگونگی شکل‌گیری «جبهه روحانیت مبارز استان بوشهر» و جایگاه ارکان آن در انسجام مردم و پیشبرد نهضت ۱۵ خرداد (از ۱۳۵۷ تا ۱۳۴۲ش) را تبیین کند، موضوعی که جای آن در پژوهش‌های پیشین خالی به نظر می‌رسد؛ درحالی‌که با نظر به اهمیت عملکرد ساختار این جبهه، تحلیل حوادث نهضت اسلامی امام در استان بوشهر معنادار می‌شود. لذا از این حیث دارای نوآوری است.

۲. جبهه روحانیت مبارز استان و ارکان آن در دوره انقلاب اسلامی

در بازگشت به پرسش اصلی گفتار، ابتدا در بیان مفهوم کلمه «جبهه» و اطلاق آن در عبارت «ساختار جبهه روحانیت مبارز استان»، در دو مفهوم، تعریف بیان می‌گردد. کلمه مذکور در لغت هم به معنای صف‌گرفتن در میدان مبارزه برای جنگ و دفاع آمده (دهخدا، ۱۳۷۷: ۷۵۱۸ش) و هم معنای حضور متحدانه در عرصه سیاسی و اجتماعی جامعه دارد. در این معنا، منظور اتحاد گروه‌های مختلفی است که در عرصه فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی، برای دستیابی به هدفی مشترک و معین، هم‌پیمان و متحد می‌گردند (صدری افشار، ۱۳۸۳ش: ۴۲۶).

بر پایه این دو معنا، «جبهه روحانیت مبارز بوشهر»، از گروه‌های چهارگانه‌ی «روحانیت بومی، علمای معاود عراق، مبلغین اعزامی از حوزه‌های علمیه و علمای تبعیدشده شاه»، در استان شکل می‌گیرد.

به عبارت دیگر، «جبهه روحانیت مبارز استان»، جبهه‌ای بوده است که در دوران نهضت امام خمینی، هم در صف مقدم جهاد و دفاع از استقلال کشور برابر بیگانگان اشغالگر و طاغوت، ایستادگی نمود و زندان و شکنجه و شهادت را به جان خرید؛ و هم در صحنه سیاسی - اجتماعی، نهضت را تحت رهبری رهنمودهای رهبر انقلاب اسلامی تا بیداری جامعه و قیام همگانی مردم، با اتحاد، پیش برد. اکنون، با رویکردی ساختاری، به تحلیل این جبهه و معرفی ارکان متحد درونی آن پرداخته و جایگاه و مرتبه آنها را در مراحل مختلف نهضت تا پیروزی انقلاب اسلامی، مشخص می‌کنیم.^۱

۱-۲- رکن اول؛ روحانیون مبارز بومی استان یا رکن مرکزی جبهه

منظور از رکن مرکزی جبهه، آن دسته از روحانیون بومی بوشهری هستند که پس از گذراندن دوره سطح و اجتهاد در قم یا عراق و قبل از سال ۱۳۴۵ در یکی از شهرهای بوشهر ساکن، ماندگار و قصد توطن می‌کنند. آنان به عنوان وارثان رسالت روحانیت مبارز پیش از خود، از دوره مشروطه، بار سنگین مسئولیت جهاد و مبارزه را در عصر انقلاب اسلامی بر دوششان حس می‌کردند. حجت‌الاسلام شیخ ابوتراب عاشوری، حجت‌الاسلام سید مصطفی حسینی و حجت‌الاسلام سید حسن نبوی، نمونه بارز علمای این گروه هستند.

اشخاص نامبرده، علاوه بر سازمان‌دهی روحانیت مبارز بومی، محوریت رهبری جبهه روحانیت استان را که روحانیت بومی خود، یکی از چهار رکن اعضای آن جبهه بودند، به عهده داشته‌اند. به عبارت دیگر، «جبهه روحانیت استان»، تحت رهبری و مدیریت روحانیت بومی، فعالیت داشته

۱. قید روحانیت مبارز، روحانیت حقیقی را از روحانی‌نماها جدا می‌کند... امام خمینی در این مورد فرمودند: «آخوندهایی که در آن زمان با آن دستگاه بودند از مذهب ما نبودند. فقهای اسلام نه تنها اطاعت آنها را نکردند بلکه مخالفت کردند و رفتند زجرها کشیدند و اطاعت نکردند. کسی خیال نکند که علمای اسلام در این دستگاه‌ها وارد بوده، یا هستند...» (امام خمینی ولایت فقیه، ۱۳۷۹ ص ۱۴۸ و ۱۴۹)

است. برنامه‌ریزی تشکیل روحانیت استان از سال ۱۳۴۲ش، با همت ستادی و با نشست‌های مشورتی علمای مبارز مذکور، هویت گرفت که در این میان حجت‌الاسلام شهید شیخ ابوتراب عاشوری، رهبر مبارزات مردم استان بوشهر (حسینی بوشهری، ۱۳۹۴ش)^۱ نقش اول رهبری و مدیریت ستادی این جبهه را به عهده داشت.

در سایه تصمیمات این ستاد، غالب روحانیون بومی (غیرمعاودین) در فعالیت علیه طاغوت و مخالفت با اقدامات ضددینی و ضدانسانی و اخلاقی رژیم کم‌وبیش مشارکت داشتند. این اشخاص عبارت بودند از:

عبدالمجید ذاکری، میرزا ابراهیم دشتی (منهاج)، غلامحسین مجد، سید اسماعیل مهدوی، سید اسدالله رکنی حسینی، سید عیسی رکنی حسینی، سید عزیز حسینی دشتی، حسین حق‌شناس، غلامحسین جمی، محمدحسن انصاری، عبدالباقی دشتی، عبدالخالق دشتی، میرزا عبدالوهاب سلیمانی، علی مراد رضایی، سید هاشم حسینی بوشهری، عبدالنبی نمازی، سلمان بحرانی، حسن بحرینی، حسین بحرانی، امرالله حیدری، عبدالرسول صداقت، شهید نگهدار اسماعیلی، حسین نمازی، عباس خشنود، حسین نمازی قم، عبدالکریم بحرینی، عباس دشتی، مهدی مطهری (مقاتلی) و عبدالرسول دشتی.

روحانیون بومی، در شکل‌دهی «جبهه روحانیت مبارز استان» و فراهم کردن شرایط و بسترهای آن، تلاش فراوان کردند و میزبان روحانیون غیربومی، اعم از روحانیون مبلّغ از حوزه‌هایی علمیه و علمای تبعیدی، به استان بودند و فرصت و هماهنگی‌های مقتضی بین آنها، در جامعه انقلابی استان ایجاد شد. آنان در پیوند علمای مهمان با مردم و استفاده از شایستگی‌های آنها، نقشی اساسی داشتند.

۱. سیدهاشم حسینی بوشهری، نایب رئیس مجلس خبرگان، سخنرانی در سی و هفتمین سالگرد شهادت شهید شیخ ابوتراب عاشوری، بوشهر، ۱۳۹۴ به نقل از خبرگزاری مهر ۲۵ مهر ۱۳۹۴

به این منظور؛ منزل و مسجد علمای بومی، به‌ویژه مسجد جامع جعفری و منزل شیخ ابوتراب عاشوری، و مسجد جامع عطار و منزل حجت‌الاسلام سید مصطفی حسینی، قرارگاه حضور طلبه‌ها و علمای استان و روحانیت مبارز، از همه جای کشور بود. همسر شهید ابوتراب عاشوری می‌گوید:

غیر از حضور روزانه مردم، طلاب و روحانیون از سراسر استان برای دیدار او به مسجد جامع جعفری می‌آمدند و مشکلات و مباحثات خود را مطرح می‌کردند و درخصوص فعالیت‌های انقلابی با شیخ جلساتی به‌صورت محرمانه در طبقه بالای مسجد که اختصاص به کتابخانه داشت برگزار می‌کردند... هنگامی که مهمانان شیخ از سراسر کشور به بوشهر می‌آمدند این طلبه‌های بومی، در استقبال و پذیرایی از مهمانان سنگ تمام می‌گذاشتند (عاشوری، ۱۴۰۲: ۹۲).

حجت‌الاسلام سید ابوفاضل رضوی اردکانی، در خاطرات خود درباره سفر تبلیغی‌اش به بوشهر، از نقش هماهنگ‌کننده روحانیت بومی استان در سال‌های ۱۳۴۹ و ۱۳۵۰ش، بین علما مبارز تبلیغی علیه طاغوت، چنین می‌گوید:

«من سال‌های ۱۳۴۹ و ۱۳۵۰ به بوشهر می‌رفتم؛ و اعلامیه‌ها و نوارهای امام و روحانیت را با همکاری «حجت‌الاسلام نبوی» و «عاشوری»، منتشر می‌کردم، که تعدادی از فرهنگیان نیز به‌طور مخفی به ما کمک می‌کردند. در تاریخ ۱۳۵۰/۹/۲۵ و هم‌زمان با ماه مبارک رمضان، به بوشهر رفتم؛ و درحالی‌که به‌شدت زیر نظر ساواک بودم، روی منبر مطالبی سیاسی در حمایت از امام و نهضت روحانیت و انقلاب فلسطین و بیداری مردم گفتم».

۲-۲ - رکن دوم؛ روحانیون تبلیغی اعزامی از حوزه‌های علمیه

عمده‌ترین نتیجه تأسیس حوزه علمیه جدید قم در سال ۱۳۰۱، به مدیریت آیت‌الله سید عبدالکریم حائری یزدی، انتقال مرکزیت مرجعیت شیعه از حوزه علمیه نجف به درون کشور بود. این حوزه، تأثیرات بسیاری بر جامعه و مردم در دوران سلطنت پهلوی برجای نهاد (بصیرت منش، ۱۳۷۶: ۲۳۵ و ۲۳۶)، و اعزام روحانیون مبلّغ و تبلیغ روحانیت در ایران، مراحل آغازین نهادینگی را در حوزه قم گذراند. از سال ۱۳۲۳ش، با آمدن آیت‌الله بروجردی به حوزه قم، توجه حوزه به این امر افزون شد. ایشان کوشید نشر و ترویج اندیشه‌های دینی و اسلامی را در کشور بیش‌ازپیش سامان دهد؛ و علاوه بر درون کشور، نمایندگان به خارج از ایران فرستاد و برخی مراکز اسلامی را در کشورهای اروپایی بنا نهاد (واعظزاده خراسانی، ۱۳۸۵ش: ۵۴). راهبرد مذکور، که درواقع حلقه پیوست مستمر مردم با سازمان حوزه‌های علمیه و اهداف سیاسی، اجتماعی و اعتقادی آنها بود، از سال ۱۳۴۲، نقشی تعیین‌کننده در حرکت انقلابی مردم و مسئولیت‌پذیری آنها در قبال رهنمودهای اسلام و امام، ایفا نمود.

در این فرصت طلایی که بیشتر به ماه‌های محرم، صفر و ماه مبارک رمضان و... اختصاص داشت، مبلّغین حاذق و روحانیون و علمایی از حوزه‌های علمیه، به سراسر کشور و ازجمله به استان بوشهر، اعزام می‌شدند. آنها در شهرهای بندر بوشهر، دشتستان، دشتی، تنگستان، دلوار، کنگان، خارک، دیلم، بندر گناه، بندر ریگ و کلیه بخش‌ها و روستاهای اطراف استان، به رسالت خود می‌پرداختند.

منزل حجت‌الاسلام شیخ ابوتراب عاشوری و حجت‌الاسلام سید مصطفی حسینی و مساجد جامع جعفری و جامع عطار، قرارگاه آنها بود؛ و از همان‌جا، مبلّغین به مناطق مدنظر شهری و روستایی، سازماندهی می‌شدند. در این ساماندهی، اهم موضوعات موردنیاز و متناسب با شرایط نیز، به مشورت گذاشته می‌شد؛ و طرح مباحث در نشست‌های مستمر، حاصل می‌گردید. آیت‌الله احمد جنتی (مراسن، ۱۳۶۲/۵: ۱۸۰)، آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی (حق‌شناس، ۱۴۰۰،

مصاحبه)، آیت‌الله بهاء‌الدین محلاتی و آیت‌الله مجدالدین محلاتی (مراسان، ۱۶/۵۰۷۵ ه: ۱۷۲)، آیت‌الله علی کریمی جهرمی (مراسان، ۶/۶۰۳۹ ه: ۱/۲۷۳)، آیت‌الله علی معلمی (مراسان، ۶/۶۲۳۶ ه: ۲۷۹)، آیت‌الله مصطفی زمانی (شفیعی، ۱۴۰۱، مصاحبه)، آیت‌الله سید عبدالهادی علم‌الهدی (مراسان، ۱۱/۱۷۲۰ ه: ۱/۲۴۲)، آیت‌الله حسین کاملی واعظ (مراسان، ۵/۵۰۲۱ ه: ۱/۲۴۶)، آیت‌الله عباس توانا و مرتضی اولیایی (مراسان، ۱۲/۷۶۵ ه: ۱/۲۵۶)، آیت‌الله قاسمعلی نصیری (مراسان، ۵/۵۰۲۱ ه: ۱/۲۵۶) آیت‌الله رضوی اردکانی (اردکانی، ۱۳۸۵: ۱۰۵)، آیت‌الله محسن قرائتی (مراسان، ۶/۶۱۵۸ ه: ۱ ص ۴۰۵ و ۴۰۴)، آیت‌الله عبدالرضا الهی و آیت‌الله محمدتقی فلسفی (مراسان، ۱۶/۶۷۰۵ ه: ۱/۸۸) و...، تعدادی از فعالان شناخته‌شده این گروه بودند که هرکدام چندین بار، به جهت تبلیغ به بوشهر، خارک، گناوه، برازجان، دیلم و دشتی و... آمدند.

به‌طور کلی، همه روحانیون اعزامی، به‌محض ورود به استان، در لیست مراقبت و کنترل ساواک قرار می‌گرفته‌اند، لذا هم سابقه آنها بررسی می‌شده است، و هم مجالس سخنرانی‌هایشان. سند ذیل به کنترل مبلغین اعزامی، به استان توسط ساواک اشاره می‌کند.

افراد مشروحه زیر که از وعاظ و روحانیون غیربومی هستند برای وعظ در ایام سوگواری ماه محرم به بوشهر وارد و در مساجد و تکایا به منبر می‌روند.

- ۱- عباس توانا فرزند علی به شناسنامه ۱۳۳ کازرون متولد ۱۳۰۸ ساکن کازرون.
- ۲- مرتضی اولیایی فرزند علی به شناسنامه ۲۰۴ کاشمر متولد ۱۳۰۹ ساکن قم.
- ۳- قاسمعلی نصیری فرزند علی به شناسنامه ۱۲ تربت‌حیدریه متولد ۱۳۱۶ ساکن مشهد.
- ۴- علی اکبر دانشگر مشهور به مهرباب‌زاده فرزند ابراهیم به شناسنامه ۶۹۴ متولد ۱۳۲۵ ساکن قم.
- ۵- علی اکبر جعفری فرزند غلامرضا به شناسنامه ۴۷ کاشمر متولد ۱۲۹۲ ساکن کاشمر.
- ۶- حسن صبوری یزدی فرزند عباس به شناسنامه ۱۲ یزد متولد ۱۳۳۳ ساکن یزد.
- ۷- محمدعلی حسینی زفره‌ای فرزند

باقر به شناسنامه ۴۱۷۶ اصفهان ساکن زفره اصفهان. ۸- ذکراه احمدی فرزند حاج سلطان مراد به شناسنامه ۲۳۹ کرمانشاه متولد ۱۳۳۸ ساکن قم. ۹- رضا شریفی فرزند صالح به شناسنامه ۳۶ تربت حیدریه متولد ۱۳۳۸ ساکن قم. ۱۰- علی اکبر ذاکری فرزند محمدحسن به شناسنامه ۱۸۵۸ مشهد متولد ۱۳۲۸ ساکن مشهد.

نظریه یکشنبه - اظهارات شنبه مورد تأیید است و به نحو مقتضی از منابع یادشدهگان مراقبت به عمل می آید... دریایی (مراسان، ۱۲۷۶۵/ه ۱: ۳۳۳ و ۳۳۴).

ساواک هرگاه احساس می کرد آنها از خطوط قرمز حکومت پهلوی عبور کرده اند، و از امام خمینی و اعتراضات علیه او می گویند و نقدهایشان، شخص شاه را هدف قرار می دهد؛ مبلغان را دستگیر و به زندان هدایت می کرد. مثل سرنوشتی که این گروه ده نفر از روحانیون مبلغ پیدا کرد.

از: سازمان اطلاعات و امنیت بوشهر به: فرماندهی پایگاه ششم شکاری (ضد اطلاعات) بدین وسیله ۱۰ نفر متهمین مشروحه زیر معرفی خواهشمند است دستور فرمایید در بازداشتگاه آن پایگاه بدون ملاقات زندانی نمایند/ رئیس سازمان اطلاعات و امنیت بوشهر. بدیعی

قاسمعلی نصیری ۲- علی مبشری ۳- علی علیپور. ۴- سید اسد حسینی ۵- علی سیفی (صیفی). ۶- فرج اله جهان دوست. ۷- عباس عرب زاده. ۸- قربانعلی باباپور ۹- حسن یوسفی ۱۰ مهدی جمال یوسفی (مراسان، ۱۲۷۰۰/ه ۱: ۲۹۸)

در همین زمینه، حجت الاسلام سید ابوالفضل رضوی اردکانی، در خاطرات خود درباره سفر تبلیغی اش به بوشهر از نقش روحانیت استان در همبستگی و رونق مبارزه علیه طاغوت و توجه ساواک به آن در سال های ۱۳۴۹ و ۱۳۵۰ ش، می گوید:

من سال‌های ۱۳۴۹ و ۱۳۵۰ به بوشهر می‌رفتم و اعلامیه‌ها و نوارهای امام و روحانیت را با همکاری «حجت‌الاسلام نبوی» و «عاشوری» منتشر می‌کردم که تعدادی از فرهنگیان نیز به‌طور مخفی به ما کمک می‌کردند. در تاریخ ۱۳۵۰/۹/۲۵ و هم‌زمان با ماه مبارک رمضان، به بوشهر رفتم و درحالی‌که به‌شدت زیر نظر ساواک بودم، روی منبر مطالبی سیاسی در حمایت از امام و نهضت روحانیت و انقلاب فلسطین و بیداری مردم گفتم. در این سفر هم به دستور ساواک کشور و امضای شخص «ارتشبد نصیری»، رئیس ساواک کشور، همراه جمعی از منبری‌ها انقلابی ایران، ممنوع‌المنبر شدم و مرا از بوشهر بیرون کردند (اردکانی، ۱۳۸۵: ۱۰۵).^۱

۳-۲- رکن سوم؛ روحانیون مهاجر و معاود

گروه سوم روحانیون مهاجر و معاودی بود که جهت تربیت دینی و گذراندن دوران طلبگی به حوزه‌های علمیه نجف اشرف، عازم شده بودند. عده قابل‌توجه آنها از سال‌های ۱۳۴۸ و ۱۳۵۰ به‌زور و ستم بعثی‌ها، اخراج شدند و بعثی‌ها بدون توجه به عواقب این جنایت، نیروهای مؤمن و علمای ایرانی را در مرزها ایران و عراق، رها و آواره می‌کردند. غالب اعضای یادشده، در زمان تبعید امام خمینی به عراق در جلسات درس وی شرکت می‌کردند، و متأثر از منش و نگرش او بودند (لطیفی، ۱۴۰۳ش، مصاحبه). آیت‌الله حاج میرزا احمد گننجکی دشتی، از شاخص‌ترین علمای بوشهر در نجف، نگاه ویژه‌ای به شخصیت امام داشت و به دیدارشان می‌رفت (نمازی، ۱۳۸۹: ۱۱۹).

این واقعه بلافاصله با واکنش علمای اسلام و ازجمله امام خمینی مواجه شد. امام در مسجد شیخ انصاری نجف، ضمن اعلام محکومیت اخراج ایرانیان تصمیم خود به هجرت را نیز بیان کرد (موسوی خمینی، ۱۳۷۴: ۲۵۴). این اعمال رژیم بعث خشم مردم انقلابی ایران را از حاکمان

۱. سید ابوالفضل رضوی اردکانی، وی نماینده مردم سپیدان در مجالس دوره‌های اول، چهارم و پنجم شورای اسلامی بود.

طاغوتی بعث و پهلوی برانگیخت و مردم به همراه روحانیت در شهرهای مختلف، تنفرشان را اعلام کردند.

روحانیت مبارز استان بوشهر نیز، به این حادثه تلخ، بی تفاوت نماند و هم‌صدا با امام خمینی و برخی علما، به روشنگری پرداخت. ازجمله این اقدامات، اجتماع روحانیون مبارز بومی و طبقات مختلف مردم دشتستان است که سند ذیل از ساواک بوشهر به آن می‌پردازد. در سند به قطعنامه مردم در محکومیت این موضوع اشاره می‌شود.

در تاریخ ۵۰/۱۰/۱۸ طی دعوتی که توسط آیت‌الله اعتصامی از روحانیون و طبقات مختلف فرمانداری دشتستان به عمل آمد اجتماعی در مسجد دلگشای شهر برازجان تشکیل و ضمن ابراز انزجار از اعمال ضدبشری عمال حکومت بعثی درباره ایرانیان رانده‌شده از عراق قطعنامه‌ای که رونوشت آن به پیوست تقدیم می‌گردد. از مقامات دولتی خواسته شده که تنفر و انزجار عموم ساکنان منطقه دشتستان را به مراجع بین‌المللی اعلام نمایند. رئیس سازمان اطلاعات و امنیت فرمانداری کل بوشهر. خسروزاده (مراسان، ۸۴۲۷/۱۶ ه ۱: ۱۳۷).

از مشهورترین علما و روحانیون بوشهری معاود از عراق به استان می‌توان افراد ذیل را نام برد:

- ۱- حسن امامی حجتی. ۲- محمد امامی حجتی. ۳- حسین بحرانی بریدی. ۴- شیخ علی بدری. ۵- شیخ هادی بدری. ۶- شیخ عبدالعلی بدری. ۷- شیخ محمد بدری. ۸- عبدالمهدی بحرینی. ۹- میرزا احمد دشتی گنخکی. ۱۰- سید احمد رکنی مجتهد. ۱۱- سید عبدالله بنجویی. ۱۲- سید اسدالله رکنی حسینی. ۱۳- ۱۴- سید محمد شریعت‌زاده. ۱۵- عباس محمودی دشتی مجتهد. ۱۶- محمد محمودی دشتی. ۱۷- عطا الله حائری‌نژاد دشتی. ۱۸- شیخ عبدالرسول دشتی. ۱۹- شیخ عبدالله دشتی. ۲۰- میرزا عبدالکریم دشتی. ۲۱- میرزا محسن دشتی. ۲۲- شیخ جواد غروی، مجتهد. ۲۳- سید موسی ابطحی. ۲۴- محمدتقی راستین. ۲۵- شیخ عبدالنبی نمازی. ۲۶- سیدعلی اصغر لطیفی. ۲۷- شیخ علی‌اکبر برهان. ۲۸- شیخ حسین دشتی. ۲۹- عبدالرسول صداقت. ۳۰- شیخ حبیب

صداقت. ۳۱- شیخ محمد صداقت. ۳۲- شیخ حسین صداقت. ۳۳- سید محمدحسین، محمدی. ۳۴- شیخ ابراهیم عاشوری.^۱

این گروه معاود بوشهری، با روحانیون بومی مستقر در استان و به جهات مختلف قومی، فامیلی، رابطه استاد و شاگردی، هم‌مباحثه‌ای و مهم‌تر از همه، تکلیف دینی و دفاع از مرجعیت و رهبری دینی، ارتباط گسترده‌ای باهم داشتند. همین عامل باعث شد ساواک از شیخ ابوتراب عاشوری در بازجویی ۴۵/۴/۷ از او بپرسد:

دوستان شما در نجف و قطر و کویت و بحرین و سایر شیخ‌نشین‌ها چه کسانی هستند؟
ج- مدرسین فوق (قبلاً شیخ نام آنها را ذکر نموده) و با آقای آیت‌الله حکیم مکاتبه دارم و در بحرین سید ابراهیم موسوی، بانی مجلس من می‌باشد (مراسان، ۵:۲۷/۱۰۹۲/۸۶۷).

البته اسناد متعددی وجود دارد که رابطه علمای بومی استان را با امام و روحانیون حوزه نجف بازگو می‌کند. سندهایی تحت عناوین جمع‌آوری وجوه شرعیه و ارسال به امام (مراسان، ۱۶/۲۱۶۱/ه: ۴۶)، پیگیری تهیه کتاب و رساله امام از نجف (مراسان، ۱۶/۱۱۲۰۲/ه: ۱۵۱)، مکاتبه با مراجع نجف (مراسان، ۱۶/۱۹۴۹/ه: ۵۹)، نمونه‌ای از آنها هستند.

این رابطه، به گونه‌ای اجتناب‌ناپذیر موجب پیوند بین علما و روحانیون بومی استان و حوزه‌های علمیه نجف و انتقال مستمر اخبار و حوادث علمی، سیاسی و اجتماعی در عراق می‌گردید و نقش مفید و مؤثری در تقویت تبلیغات دینی و معرفی مرجعیت امام و دفاع از نهضت امام خمینی بازی می‌کرد. آن علما، بعد از اخراج ظالمانه در سال «۴۸ و ۵۰»، و پس از سال‌ها توطئه در عراق، به محل زندگی خود در استان بوشهر برگشتند و از نزدیک و مستقیم به همکاری با شیخ

۱. اطلاعات به طور میدانی و با مصاحبه تعدادی از روحانیون و معاودین محترم از جمله: حجت‌الاسلام سیدمحمدحسین محمدی، ۱۳۹۸، بندر ساحلی دلوار. حجت‌الاسلام سید علی‌اصغر لطیفی ۱۴۰۳، دشتی، حجت‌الاسلام شیخ حسین نمازی، ۱۴۰۳، قم، کسب شده است.

ساختار جبهه روحانیت مبارز استان بوشهر در انقلاب اسلامی به روایت اسناد (۱۳۴۲-۱۳۵۷) ۱۹۵

ابوتراب عاشوری، سید محمدحسن نبوی، سید مصطفی حسینی، رهبران جبهه روحانیت استان، شتافتند.

بنابراین، این گروه با روحانیت بومی استان قرین گشته و پس از ورود به ایران و استقرار در وطن اصلی خود بوشهر، عملاً پیکره‌ای از جبهه روحانیت استان می‌شوند و به دیدگاه‌ها و اهداف سیاسی اجتماعی امام رونق بیشتری می‌بخشند.

۴-۲- رکن چهارم؛ روحانیون و علمای مبارز تبعیدی

گروه چهارم روحانیون، علمای مبارز تبعیدی بودند. آنها با پیوندشان به جبهه روحانیت استان، به‌ویژه از سال ۱۳۵۲ به بعد، تأثیر بسزایی در روند بیداری مردم و گرایش آنها به رهبری امام خمینی داشتند.

«تبعیدی»، به کسی اطلاق می‌شود که به‌حکم مراجع قانونی نفی بلد شده باشد یا آنکه از سکونت در محلی خاص محروم گردد. (دهخدا، ۱۳۳۷: ۳۳۷) و تبعیدگاه: محلی است که برای سکونت تبعیدشده تعیین می‌شود و تبعیدی، موظف است مدت محکومیت تبعید را در آنجا به سر برد (روح‌بخش، ۱۳۸۶ش: ۱۱۳).

در جریان قیام ۱۵ خرداد، رژیم پهلوی از سال «۱۳۴۳ تا ۱۳۵۷»، اقدام به تبعید مجاهدان کرد. این عمل علیه علماء و شخصیت‌های سیاسی مبارز در چهار مرحله و بار اول؛ به جرم (اعتراض به تبعید امام در سال «۱۳۴۳-۱۳۴۶»، بار دوم؛ اعلام حمایت از مرجعیت امام «۱۳۵۰-۱۳۴۶ش»، بار سوم؛ به دلیل قیام گروه ابوذر «۱۳۵۴-۱۳۵۱ش»؛ و بار چهارم؛ پس از قیام ۱۹ دی قم «۱۳۵۷-۱۳۵۵ش»)، صورت گرفت. در پی آن در بوشهر، تبعیدیان به استان پس از ورود توسط روحانیت بومی استان، در شهرهای مختلف که همواره مورد استقبال قرار می‌گرفتند.

در بوشهر، حجت‌الاسلام شیخ ابوتراب عاشوری، نقش اصلی این هماهنگی را برعهده داشت. آیت‌الله یزدی یکی از تبعیدیان به استان از خاطره ورودش به شهر بوشهر و استقبالی که از سوی روحانیت استان و شهید عاشوری از او می‌شود چنین یاد می‌کند.

«در حوزه علمیه بوشهر... طلبه‌ها به گرمی از من استقبال و با چای از ما پذیرائی کردند. من بسیار مشتاق بودم که با شیخ ابوتراب که در آن مقطع هنوز به فیض عظمای شهادت نرسیده بود، ملاقات کنم. طلبه‌ها وقتی اشتیاق مرا دیدند، بی‌درنگ با او تماس تلفنی برقرار کردند و او هم ظرف ده الی پانزده دقیقه خودش را به آنجا رساند. من برای اولین بار بود که با او از نزدیک ملاقات می‌کردم و اطلاعات مهم در مورد او در حد همان چیزی بود که در زندان و توسط پاسبانی که با او رابطه داشتیم در اختیار من قرار گرفته بود.

گفتم: آقای عاشوری! من تاکنون در زندان بودم و تازه زندانم تمام شده و دوره تبعیدم آغاز شده است. نمی‌خواهم برای کسی دردسر درست کنم. شما روحانی اینجا هستید و باید به مسائل امنیتی اهمیت بدهید و در ملاقات با افراد مسئله‌داری! چون من... باید برخیزی و برویم! به‌ناچار برخاستم و با او که نوع‌دوستی‌اش ما را تحت‌تأثیر قرار داده بود، همراه شدم...» (یزدی، ۱۳۸۰ش: ۳۷۶)

همچنین آیت‌الله یزدی، در بخش دیگری از خاطراتش به ضیافت‌ها یا نشست‌هایی که شهید عاشوری بین علمای تبعیدی به استان با روحانیت بومی استان جهت پیوند آنها برقرار می‌کرد اشاره نموده و می‌نویسد:

وقتی در ضیافت مزبور حاضر شدیم، مشاهده کردم که اجتماع آخوندها اختصاص به - شهر - بوشهر ندارد و از کل منطقه - استان - آمده‌اند و همین آشنایی سبب شد و بعدها هم رابطه آشنایی با برخی از آنها برقرار بود؛ ازجمله حاج عبدالحسین که در

سنین کهولت به سر می‌برد و نیز چند تن از علمای برازجان... حضور ما در آن جلسه و صحبت‌هایی که کردیم، تأثیر خود را روی علمای شهر و شخص صاحب‌خانه گذاشت. (یزدی، ۱۳۸۰ش: ۳۷۹ و ۳۸۰)

حضور روحانیت انقلابی تبعیدی، از چند جهت صف جهاد علمای بومی و مردم همراه را در استان تقویت نمود: یکی اینکه آنان فی‌نفسه تجسمی از اعتراض و طغیان علیه طاغوت بودند. به این دلیل، مردم می‌پرسیدند، چرا شاه این علما را تبعید نموده است؟ به چه جرمی؟ این پرسش ذهن مردم را به‌سوی مرجعیت و رهبری امام خمینی هدایت می‌کرد و زمینه برای اعتراضات و ایجاد تحول فکری در آنان فراهم می‌شد. این شرایط اقدامات دستگاه حاکمه را به چالش می‌کشید و روحیه مبارزان و مخالفان پهلوی را قوت می‌داد. به‌خصوص اینکه مردم می‌دیدند روحانیون تبعیدی، احترام و جایگاه والایی در نزد علمای بومی استان دارند، و موردحمایت افراد مؤمن و معتمد منطقه هستند. در یکی از اسناد ساواک آمده است:

یک نفر واعظ به نام سید اسدالله مدنی که به کنگان تبعید گردیده بود از بدو ورود خود در منزل شیخ عباس عاشوری اقامت نمود و روزها در مدرسه علمیه کنگان به تدریس قرآن می‌پرداخت. همچنین ظهرها در مسجد جامع و شب‌ها در مسجد کوزه‌گری فقط نماز جماعت می‌خواند و از هرگونه سخنرانی خودداری می‌نمود. ضمناً علاوه بر اینکه اهالی کنگان و دیر گروهی از کازرون و شیراز هم به دیدن وی می‌آمدند و مبالغی پول به نامبرده ارائه لیکن موردقبول وی واقع نمی‌شد. (مراسان، ۱۳۸۱/۷/۲: ۱۵۲)

تبعیدیان به استان بوشهر به دودسته قابل تقسیم است: دسته‌ای تبعیدی میدانی (تبعیدیان در شهرها و یا روستا) و دیگری؛ تبعیدیان زندانی از دیگر زندان‌ها به زندان دژ برازجان (قلعه مشیر). اسامی علمای تبعیدی (غیرزندان) در شهرهای استان بوشهر به روایت اسناد ساواک، عبارت‌اند:

آیت‌الله احمد بیگدلی آذری قمی، در شهر (برازجان) سال ۱۳۵۲ش. (مراسان، ۷۸۴۱ه/ ۱۵۲: ۲)

آیت‌الله سید علی حسینی کهدویی، در شهر (برازجان) سال ۱۳۵۲ش. (همان)
آیت‌الله سید محمد صالح طاهری خرم‌آبادی، تبعید در شهر (برازجان) سال ۱۳۵۳ش (کازرونی، ۱۳۸۸ش: ۲۷۷).

آیت‌الله ابوالقاسم خزعلی، تبعید در (بندر گناوه)، سال ۱۳۵۲ش. (مراسان، ۷۱۵۴/۱۶ه/ ۱ : ۹۶)

آیت‌الله محمد کاظم راشدپور یزدی، تبعید در (بندر گناوه)، سال ۱۳۵۲ش. (مراسان، ۱۸۸۵/۲۶ه/ ۲۳۸)

آیت‌الله محمد عبایی خراسانی، تبعید در (بندر دیلم) سال ۱۳۵۲ش. (مراسان، ۱۰۶۸ه/ ۱ : ۱۹۰)

آیت‌الله موسوی تبریزی، تبعید در (برازجان) سال ۱۳۵۴ش. (کازرونی، ۱۳۸۸ش: ۲۸۰)
آیت‌الله سید اسدالله مدنی، تبعید در (بندر کنگان) سال ۱۳۵۷ش. (مراسان، ۷۸۴۱ه/ ۲ : ۱۵۲)

آیت‌الله محمد یزدی، تبعید در (بندر کنگان و بوشهر) سال ۱۳۵۲ش. (مراسان، ۷۸۴۱ه/ ۲ : ۲۱۴)

غیر از گروه تبعیدیان (غیرزندانان) استان بوشهر که به فهرست آنها اشاره شد، شاهد حضور گروه دیگری نیز از تبعیدیان در استان بودیم. آنها زندانیانی بودند که چون فعالیت‌شان در زندان‌های قصر و اوین و... از سوی رژیم قابل مهار و کنترل نبود رژیم تصمیم گرفت آنها را به زندانی سخت‌تر در جایی گرم و خشک و دور از دسترس منتقل سازند و لذا، زندان دژ برازجان بوشهر انتخاب گردید.

اسیرانی از احزاب اسلامی؛ نهضت آزادی، ۱۵ خرداد، ملل اسلامی و حزب مؤتلفه از سال ۱۳۴۴ش به این زندان انتقال یافتند. محمدمهدی جعفری، متولد شهر برازجان، که خود از زندانیان مبارز تبعیدی گروه نهضت آزادی در سال ۱۳۴۴ش، از زندان قصر به این زندان بود، می گوید:

روز پنجم آبان ۱۳۴۴ بود که گروه هجده نفری ما را مهیا به انتقال از طریق اتوبوس به زندان دژ برازجان نمودند. ما روز هفتم آبان ۱۳۴۴ به برازجان رسیدیم و ساکن در شترخان- زندان دژ- شدیم. از گرو زندانیان مسلمان سیزده نفر عضو نهضت آزادی و دو نفر نیز از زندانیان پانزده خرداد بودند؛ عبارت‌اند:

مهندس مهدی بازرگان (نهضت آزادی) دکتر یدالله سحابی (نهضت آزادی) مهندس عزت‌الله سحابی (نهضت آزادی) احمدعلی بابایی (نهضت آزادی) دکتر عباس شیبانی (نهضت آزادی) مهندس ابوالفضل حکیمی (نهضت آزادی) سید محمدمهدی جعفری (نهضت آزادی) مصطفی مفیدی (نهضت آزادی) محمد بسته‌نگار (نهضت آزادی) دکتر حسین عالی (نهضت آزادی) مهدی شاملو محمودی (نهضت آزادی) مجتبی مفیدی (نهضت آزادی) مهدی حمسی (نهضت آزادی)، محسن طاهری (از زندانیان پانزده خرداد) حاج وکیل (از زندانیان پانزده خرداد). (جعفری، ۱۳۸۴ش: ۲۱۸)، پنج نفر از گروه ترور منصور نیز سال ۱۳۴۸ به این زندان تبعید می‌شوند که عبارت‌اند: حجت‌الاسلام محی‌الدین انواری ۲- مهدی عراقی ۳- حبیب‌الله عسکراولادی ۴- مهندس غلامرضا اربابی ۵- حجت‌الاسلام مجتبی کرمانی (جعفری، ۱۳۸۴ش: ۲۲۰)

حبیب‌الله عسکراولادی در خاطراتش می گوید:

سرانجام من، شهید عراقی، آقای انواری و آقای کیوان مهشید از حزب ملل اسلامی وارد برازجان شدیم... در برازجان تبعیدگاهی وجود داشت که از گذشته تعداد زیادی به آنجا تبعید شده بودند (کیمیافر، ۱۳۵۴ش: ۲۰).

نیروهای تبعیدی در استان بوشهر، حبل‌المتین جبهه مبارزه روحانیت استان بوشهر بودند؛ چرا که با حضورشان نگاه‌ها بیشتر به سمت آنها رفت. علما تبلیغی نیز که از حوزه‌های علمیه به استان می‌آمدند، دیدار با تبعیدیان در دستور کار خود داشتند. علاوه بر آنها، آمدن کسانی چون آیت‌الله علی کریمی جهرمی، آیت‌الله عبدالرضا الهی و آیت‌الله مصطفی زمانی به استان و حضور در شهرهای دیلم، گناوه و... انگیزه‌ها به تجدیددیدار با علمای تبعیدی و رسیدگی به آنها مضاعف می‌شد. ضمن اینکه ساواک به رابطه بین اعضای جبهه پی برده بود و به‌شدت می‌کوشید این رابطه شکل نگیرد. ساواک بر وقوع رابطه روحانیون تبلیغی با آیت‌الله یزدی در استان، مهر تأیید می‌گذازد. او می‌گوید:

شیخ رضا بوستانی و شیخ قاسم محمدی از روحانیونی هستند که در ماه صفر به برازجان وارد و مشغول روضه‌خوانی هستند. نامبردگان به‌منظور ملاقات از شیخ محمد یزدی از برازجان به بوشهر وارد و به‌اتفاق سیدعبداله‌ادی علم‌الهدی فرزند محمد که از قم جهت روضه‌خوانی در ماه‌های محرم و صفر به بوشهر آمده است، به ملاقات شیخ محمد یزدی رفته‌اند. نظریه یکشنبه: خبر فوق صحت دارد. رضی (مراسان، ۱۰۸۴۴/ ۱۶/ ه ۲: ۲۸۹).

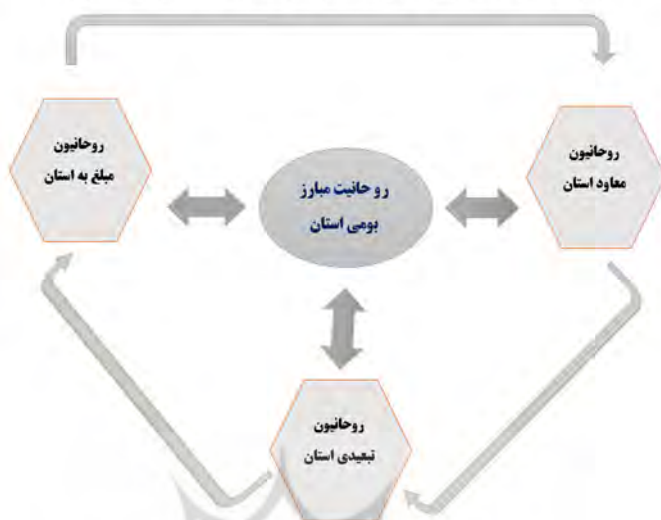
سرانجام، در استان، به دنبال فرمان رهبری امام خمینی، فعالیت‌های انقلابی و عملی جبهه روحانیت مبارز استان، به ثمردهی نزدیک می‌شد؛ و آنها در مقاطع مختلف و به ترتیب، در سه گام اساسی گام اول؛ معرفی امام خمینی به‌عنوان مرجع تقلید اعلم و رهبر انقلاب، دوم؛ اشکال‌تراشی و اعتراض به عملکرد و سیاست‌های ضد دینی، ملی و بشری حکومت و در مرحله آخر با تبلیغ، تشویق، تحریک و دعوت مردم، موجب تجمعات و راهپیمایی گسترده مردمی و اعتراض عمومی در خیابان‌ها شدند؛ و شعله‌های انقلاب اسلامی علیه رژیم پهلوی در استان بوشهر، برافروخته شد.

این مرحله پایانی که از نیمه دوم سال ۱۳۵۶ش شروع شد، اندک‌اندک، با برگزاری مراسم شهیدانی چون شهید مصطفی خمینی و... در بعضی شهرها شروع و در سال ۱۳۵۷ش، به اوج خود رسید. تعطیلی کلاس‌های متوسطه و تظاهرات دانش‌آموزان مدارس شهرهای استان (مراسان، ۸۴/۱۵ ص ۲۵۴)، اعتصاب آبان ماه دانش‌آموزان در دبیرستان سعادت بوشهر (مراسان، ۸۵/۱: ۲۵۹ و ۲۵۸)، اعتصاب کارگران شرکت نفت (مراسان، ۹۵/۴۶: ۱۹۲) و از کار افتادن نیروگاه اتمی بوشهر (مراسان، ۸۲/۲۵: ۲۱۱)، تظاهرات چندباره خیابانی ارتشیان علیه شاه در پایگاه هوایی و در شهر بوشهر (مراسان، ۴۰- ۵۳۵: ۳۶۵) و... از جمله وقایع انقلاب اسلامی در استان بوشهر بودند.

درباره این مرحله گزارش‌های زیادی از شهرهای مختلف استان در اسناد ساواک وجود دارد که ساواک عامل اصلی تحریکات و تحرکات مردم را از درون مساجد و روحانیت معرفی می‌کند و در پی آن نیز، به دستگیری، زندان و شکنجه آنها، اقدام می‌نماید. به عنوان نمونه در سندی از تحریک و دعوت روحانیون استان چنین نقل می‌شود.

درباره: شیخ عباس عربزاده و ۹ نفر دیگر / پیرو ۸۷۰۱/ه ۱ - ۵۷/۹/۱۱ و ۷۸۰۵/ه ۱ - ۵۷/۹/۱۱ به طوری که طی شماره ۸۶۹۵/ه ۱ - ۵۷م ۱۰م ۵۷ و ۸۶۹۹/ه ۱ - ۵۷/۹/۱۰ به استحضار رسیده ظرف یکی دو روز اخیر به طور پی‌درپی تظاهراتی در بوشهر به وقوع پیوسته که منجر به کشته شدن دو نفر و مجروح شدن چهارده نفر از اهالی گردیده و چون شهربانی ضمن تظاهرات نه نفر طلبه را به عنوان محرک معرفی و اضافه نموده که این اشخاص در تحریک و تشویق مردم به ایجاد بلوا و آشوب و دادن شعارهای ضد میهنی دخالت داشته‌اند (مراسان، ۸۷۰۹: ۳۱۸)

نمودار مفهومی شبکه ارتباط «جبهه روحانیت مبارز استان بوشهر» با محوریت روحانیت مبارز بومی



نتیجه گیری

روحانیت مبارز بومی استان با شروع نهضت امام خمینی در سال ۱۳۴۲ش، با هدف استفاده حداکثری از قابلیت علمی، فرهنگی و ارشادی علما بومی و روحانیونی که به انگیزه و عوامل مختلف وارد استان بوشهر می شدند، نقش اساسی در سازماندهی جبهه روحانیت مبارز استان بوشهر داشته اند. درواقع روحانیت مبارز بومی استان با نظرداشت برنامه های راهبردی، جهت بیداری عقیدتی سیاسی مردم، جبهه ای متحد از حضور روحانیت مبارز در استان پایه گذاری کرد. این جبهه، به تدریج شکل گرفته و سامان یافت. ترکیب اعضای جبهه، روحانیون مبارزی بودند که به حسب خاستگاه جغرافیایی و نحوه ورود به استان در چهار گروه مذکور قرار می گیرند.

در رأس رهبری «جبهه روحانیت مبارز استان»، حجت الاسلام شیخ ابوتراب عاشوری و حجت الاسلام سید مصطفی حسینی بودند که در مقام نمایندگی از مراجع تقلید، آیت الله سید محسن طباطبایی حکیم، آیت الله روح الله موسوی خمینی و آیت الله سید ابوالقاسم خویی و...، ملجأ و مرجع رفع مشکلات مردم و روحانیون شهرهای مناطق تابعه در استان بوشهر محسوب می

شدند؛ و حجت‌الاسلام سید محمدحسن نبوی، حلقه وصل بین آن دو بود و همگی مثلث رهبری دینی استان را تشکیل می‌دادند. بین رهبری جبهه در مرکز استان و شهرستان‌ها، روحانیون مبارز بومی حضور داشتند که مناطق مختلف را به مرکز رهبری جبهه در استان، متصل می‌ساختند. این نمایندگان بومی استان در شهرهای برازجان، گناوه، دشتی، تنگستان، دلوار، دیر و کنگان و... روحانیونی بودند که شبکه‌ای از همدلی در رهبری و اداره جبهه مبارزه، در سطح استان را به وجود آوردند.

اوج عملکرد جبهه زمانی مؤثرتر نمایان شد که از سال ۱۳۵۲ نه نفر از علمای مبارز تبعیدشده وارد مناطق استان شدند. با ورود این علما، روحانیت بومی مبارز استان در پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی، «عالمان تبعیدی» را از یک سو به مرکز توجهات مردم به مظالم طاغوت و از دگر سو به حلقه پیوند ارکان جبهه، در «جبهه روحانیت»، تبدیل ساختند. به دنبال این پیوند و هماهنگی‌های مستمر با گروه‌های روحانی، جبهه و ارتباط متقابل گروه‌ها باهم و همه اینها با «علمای تبعیدی» مسیر شکوفایی انقلاب هموار شد و مردم با تبلیغ و تشویق پشت سر رهبران خود، قرار گرفتند و به دنبال عالمان مجاهدانی چون آیت‌الله سید اسدالله مدنی، از مساجد خارج و به صورت گسترده به خیابان‌ها آمدند.

اما نشانه مهم‌تر، در شرح اهمیت «کارکرد جبهه و تأثیرگذاری آن»، موضع‌گیری خصمانه رژیم پهلوی نسبت به موجودیت جبهه و رهبری آن است. عوامل رژیم در اندیشه ازهم‌پاشی جبهه روحانیت، طرح ترور حجت‌الاسلام شیخ ابوتراب عاشوری، رهبر و محور عملیات‌های انقلابی جبهه را در ۱۳ آذر ۱۳۵۷ برابر با سوم محرم در حال گرفتن وضو در منزل برادرش به ضرب شش گلوله به شهادت رساندند (مراسان، ۱۳۶۱/۲۳۶: ۳ و ۲۴۸). این شهادت، آتش انقلاب اسلامی را در استان شعله‌ور نمود و «جبهه روحانیت استان» در این مقطع تاریخی حساس، همچون واقعه قیام جنوب ایران برابر استعمار انگلیس، به وظیفه الهی خود برابر آمریکا و شاه مزدورش، عمل کرد.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که جبهه روحانیت استان بوشهر در تحولات جامعه انقلابی استان در دوره نهضت امام خمینی از سال (۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷ش)، نقش سرنوشت‌سازی ایفا نموده است. در این راستا، در تتمه می‌توان به دستاوردهای ذیل نیز اشاره نمود.

اول: پرداختن به «جبهه روحانیت مبارز استان» درواقع، تبیین مستند رخدادی مهم از انقلاب اسلامی مردم در بوشهر است که پیش‌ازاین به آن پرداخته نشده و این می‌تواند بر نوآوری پژوهش دلالت نماید.

دوم: این واقعه مهم، باور ضعیف عده‌ای را که در این دوره تاریخی از نقش مبارزه منسجم روحانیون مبارز در بوشهر علیه طاغوت پهلوی بی‌خبر بوده‌اند، تقویت می‌کند.

سوم: مطالعه این واقعیت تشکیلاتی و سرنوشت‌ساز، طرحی راهبردی و الگویی راهگشا را در مبارزه با طاغوت و استعمار نشان می‌دهد.

چهارم: تبیین رهبری امام، فراگیر ساختن مشارکتهای مردمی، حفظ و گسترش فرهنگ مبارزه دینی در مقابل افکار الحادی، انتظام بخشیدن به هسته‌های مبارزه مردمی، بهره‌گیری ممکن از توانایی‌هایی طبقات مختلف جامعه در همه شهرها و... را می‌توان حاصل شکل‌گیری «جامعه روحانیت استان» برشمرد.

پنجم: همگامی و همراهی مردم استان بوشهر با رهنمودهای فرهنگی و ارشادی «جبهه روحانیت مبارز»، اصل اعتقاد به امامت و ولایت را در استان عملی ساخت و فرهنگ استقامت در برابر استبداد و استعمار و دفاع از مرزهای خلیج فارس ایران، بار دیگر احیاء نمود.

کتابنامه

الف) اسناد

ساختار جبهه روحانیت مبارز استان بوشهر در انقلاب اسلامی به روایت اسناد (۱۳۴۲-۱۳۵۷) ۲۰۵

انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک استان بوشهر ج ۱، ش. بازیابی: ۱۰۳۴۸ / ۱۶ ه / ۱ ، ۸۴۲۷ / ۱ ه / ۱ ، ۷۱۵۴ / ۱۶ ه / ۱ ، ۱۰۶۸ ه / ۱ ، ۷۳۶۶ / ۱۶ ه / ۱ ، ۱۱۷۲۰ ه / ۱ ، ۶۰۳۹ ه / ۱ ، ۶۲۳۶ ه / ۱ ، ۵۰۲۱ ه / ۱ ، ۶۱۵۸ ه / ۱ ، ۱۶ ه / ۱ ، ۶۷۰۵ ه / ۱ ، ۳۶۲۲۵ ه / ۱ ، ۱۲۷۶۵ ه / ۱۸۴۲۷ / ۱۶ ه / ۱ ، ۸۴۲۷ / ۱۶ ه / ۱ ، ۵۱ / ۱۸۸۵ ه / ۲۶ ه / ۱
انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک استان بوشهر ج ۲، ش. بازیابی: ۷۸۴۱ ه / ۲ ، ۸۴۸۱ ه / ۱ ، ۸۵۱۱ ه / ۱ ، ۹۵۵۱ ه / ۴ ، ۸۲۵۹ ه / ۲ ، ۵۳۵ ه / ۴ ، ۸۷۰۹ ه / ۱۶ - ۶۰ / ۹۹ / ۶ ه / ۱۶ - ۵۰۷ ه / ۸۷۰۰ ه / ۱ .
شیخ ابوتراب عاشوری به روایت اسناد ساواک استان بوشهر. ش. بازیابی: ۱۶ / ۵۰۷۵ ه / ۱ ، ۳ / ۹۷۶۱ ه / ۱۰۹۲ / ۸۶۷ ه / ۱۶ / ۹۷۵ ه / ۱۶ / ۲۱۶۱ ه / ۱۶ / ۱۱۲۰۲ ه / ۱۶ / ۱۹۴۹ ه / ۱۶ .

ب) کتاب و مقاله:

بصیرت‌منش، حمید، علما و رژیم رضاشاه: نظری بر عملکرد سیاسی - فرهنگی روحانیون در سال‌های ۱۳۰۵ - ۱۳۲۰، تهران، عروج، ۱۳۷۶ ش.
جعفری، محمدمهدی، همگام با آزادی، مصاحبه و تدوین، قاسم یا حسینی، تهران، صحیفه خرد، ۱۳۹۰ ش.
دهقان، فرزانه، هم‌نفس با مرد راه، روایت زندگی همسر شهید عاشوری حاجیه بی‌بی رباب عاشوری، تهران، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، ۱۴۰۲ ش.
دهخدا علی‌اکبر، لغت‌نامه، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ ش.
روح‌بخش، رحیم، «تبعیدهای نهضت روحانیت: مبارز روحانیان تبعید پیامدهای و علل بررسی»، نشریه زمانه، ش ۳۷، خرداد ۱۳۸۶ ش.
رضوی اردکانی، سید ابوفاضل، خاطرات سید ابوفاضل رضوی اردکانی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵ ش
صدری افشار، غلامحسین، فرهنگ معاصر فارسی، تهران، فرهنگ معاصر، چ ۴، ۱۳۸۳ ش.
عمید، حسن، فرهنگ عمید، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۹ ش.

۶۶۶..... نشریه علمی تحقیقات اسنادی انقلاب اسلامی، سال ۶، شماره ۱۱، بهار و تابستان ۱۴۰۳

کازرونی، ماشاءالله، **خاطرات ماشاءالله کازرونی**، مصاحبه سید قاسم یاحسینی، تهران، شرکت انتشارات سوره مهر، ۱۳۸۸ش.

کارگر جهرمی، وحید، **زندگی و اندیشه سیاسی آیتالله عبدالحسین لاری**، تهران، مرکز انقلاب اسلامی، ۱۳۹۸ش.

کیمیافر، سید محمد، **خاطرات حبیبالله عسکراولادی**، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۵۴ش.
مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات اداره کل اطلاعات بوشهر، **شیخ ابوتراب عاشوری به روایت اسناد ساواک**، بوشهر، دلیران، ۱۳۸۳ش.

مشایخی، عبدالکریم، **جایگاه روحانیت در انقلاب مشروطیت**، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۳ش.

مظفری زاده، علیرضا، **آغاز بیداری**، شیراز، رزبار، ۱۴۰۰ش.
موسوی خمینی، سید روحالله، **کوثر (مجموعه سخنرانی‌های حضرت امام خمینی)**، ج ۱، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۴ش.

موسوی خمینی، سید روحالله، **ولایت فقیه و حکومت اسلامی**، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۹ش.

مرکز اسناد انقلاب اسلامی، **انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک**، استان یزد، سال ج ۱، یزد، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۹۳ش.

مرکز بررسی اسناد تاریخی اداره کل اطلاعات بوشهر، **حجت‌الاسلام سید محمدحسن نبوی به روایت اسناد ساواک**، بوشهر، انتشارات شروع، ۱۳۸۴ش.

نعمت الهی، علی محمد و دشتی، حسین، **شناخت‌نامه آیتالله حاج میرزا احمد دشتی نجفی**، بوشهر، انتشارات شروع، ۱۳۸۹ش.

واعظزاده خراسانی، محمد، **زندگی آیتالله بروجردی**، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۳۸۵ش.

ساختر جبهه روحانیت مبارز استان بوشهر در انقلاب اسلامی به روایت اسناد (۱۳۴۲-۱۳۵۷) ۲۰۷

یزدی، محمد، **خاطرات آیت الله محمد یزدی**، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰ش.

ج) مصاحبه‌ها:

حق شناس، علی، ۱۴۰۰ش، بندر بوشهر.

شفیعی، ابراهیم، ۱۴۰۱ش، بندر دیلم.

لطیفی، سید علی اصغر، (روحانی)، ۱۴۰۳ش، دشتی.

محمدی، محمد حسین، (روحانی) ۱۳۹۸ش، بندر ساحلی دلوار.

میگلی، محمد، ۱۴۰۰ش، بندر بوشهر.

نیسمی، عبدالکریم، ۱۴۰۱ش، بندر گناوه.

نمازی، حسین. (روحانی) ۱۴۰۳ش، قم.





از چپ، آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی، آیت‌الله هادی مروی که به‌عنوان روحانیون تبلیغی، در خارک بوشهر حضور یافتند، در کنار مبارز آقای عبدالخالق حق نجات در سال ۱۳۵۰، تصویر از رسول قادریان.



اعضای اصلی رهبری جبهه روحانیت استان بوشهر به ترتیب از راست؛ حجة الاسلام سید محمد حسن نبوی، حجة الاسلام شهید شیخ ابو تراب عاشوری (وسط)، رهبر و هماهنگ کننده اول، حجة الاسلام سید مصطفی حسینی

ساختار جبهه روحانیت مبارز استان بوشهر در انقلاب اسلامی به روایت اسناد (۱۳۴۲-۱۳۵۷) ۲۰۹



زندان برازجان ۱۳۴۸، آیت‌الله محی‌الدین انواری (نفر دوم از راست) شهید حاج مهدی عراقی (نفر سوم از راست) حبیب‌الله عسکر اولادی (نفر آخر از راست)



دستگیری و زندانی گروهی

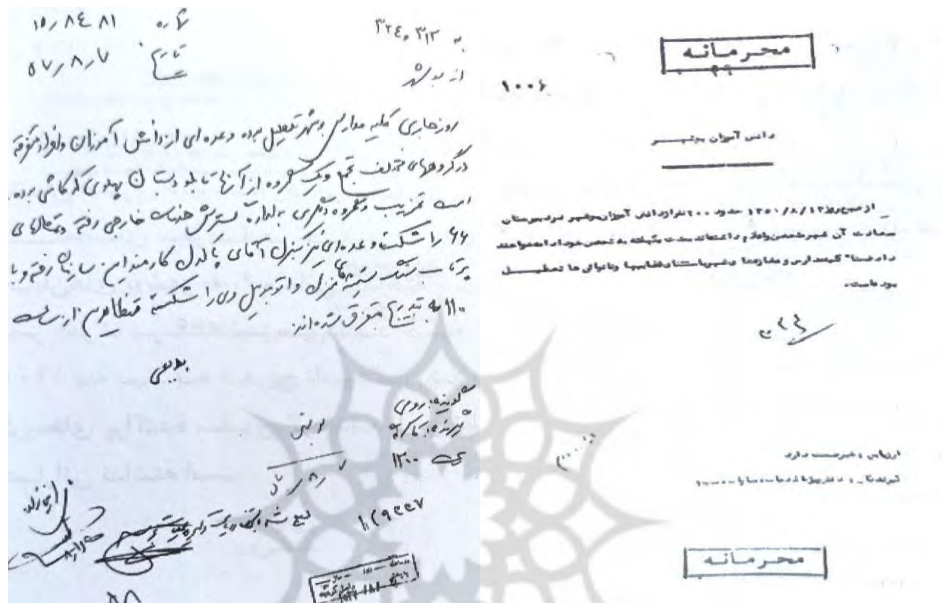
سند ملاقات علمای اعزام تبلیغی قم با آیت‌الله یزدی

روحانیون بوشهر

به جهت دعوت مردم به

در زمان تبعیدی وی در بندر بوشهر

مبارزه



اعتصاب دانش

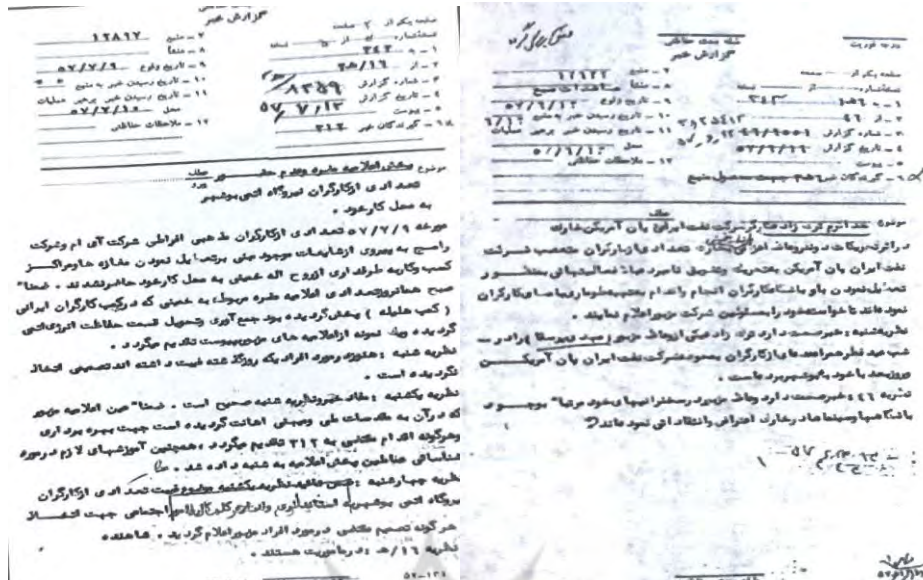
تعطیل شدن تمامی مدارس استان بوشهر در ۵۷/۸/۷

آموزان در دبیرستان سعادت بوشهر

هم‌زمان با واقعه کشتار دانش‌آموزان

در ۱۳ آبان

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



اعتصاب کارگران شرکت

اعتصاب کارگران نیروگاه اتمی بوشهر و

نفتی پان آمریکا

تعطیلی و توقف نیروگاه

خارگ بوشهر



راهپیمایی مردم شهر بوشهر در سال ۱۳۵۷ شهید شیخ ابوتراب عاشوری و سایر روحانیون

مبارز در صف مقدم راهپیمایی